



عدالت در سیستم کامن لو

فصل دوم

دادگاهها و طرزکار آنها

مقدمه

در مبحث گذشته بذکر مقدماتی در حقوق اساسی ، از جمله حقوق افراد و کنترل قضائی بر قوه مجریه اکتفا گردید ؛ ضمناً از روابط قوای سه گانه بایکدیگر ، تا آنجا که برای مطالعه نظام قضائی ضروری بنظر میرسید ، سخن به میان آمد . در مباحثی که از این پس مطرح میگردد سعی خواهد شد که نظام قضائی بمعنی خاص مورد مطالعه قرار گیرد . بمنظور ترتیب مطالعه قسمت‌های مختلف سازمان قضائی و دستگاه عدالت ، طبیعی ترین تقسیم بندی را میتوان از طبیعت قضایای مورد بحث بدست آورد ؛ باین توضیح که اگر عدالت را از نظر مراجعین بدستگاه عدالت مورد توجه قرار دهیم باین نتیجه میرسیم که در نظر مردمی که برای دادخواهی به تشکیلات عدالتی مراجعه میکنند ، دادگاهها و سیستم هر می شکل آنها با مبانی و مقررات و تشریفات مخصوصشان اولین مظهر عدالت بشمار میآیند و سپس باقضات و وکلاء دادگستری روبرو میشوند که حرفه آنها مطالعه و بازی با قانون است و اینها دومین مظهر عدالت در نظر مردم عادی می باشند . این دسته شاغلین بشغل قضائی در صورتی باین مقام میرسند که مراحل را طی کرده باشند و مطالعه تشکیلات مربوطه به دستگاهی که به این افراد اجازه مداخله در امور قضائی را میدهد ، از جهت آشنائی بدستگاه قضائی حائز کمال اهمیت است و بالاخره سومین مظهر عدالت قوانینی است که روابط افراد را با یکدیگر و نیز روابط افراد را با اجتماع تعیین مینمایند و معمولاً هنگام طرح دعوی و دادخواهی ملاک قضاوت و حکم دادگاهها قرار میگیرند ؛ در این مجموعه نیز به پیروی از این تقسیم بندی طبیعی بترتیب مبانی قضائی و دادگاهها و مقررات خاص آنها و سپس شاغلین بشغل قضائی (قضات - وکلاء و مقررات و وظائف قانون دادگستری) و بالاخره قوانین ماهوی ، بطور خلاصه ، در فصول مختلف ، مورد مطالعه قرار خواهند گرفت .

قسمت اول

مبانی

در این فصل پس از ذکر بعضی مبانی قضائی به طبقه بندی دادگاهها و تعریف کامن لو و انصاف پرداخته و طریقه رسیدگی در دادگاههای حقوقی و جزائی و ارزش قانونی دلائل و رویه قضائی را بطور خلاصه شرح میدهم .

دردنیای ما تشخیص حقوق افراد بدون آشنائی بقوانین امکان پذیر نیست و از طرفی ادعای جهل بقانون . بنا بر تفسیر و منطق قضائی موجود ، رافع مسئولیت نمی باشد . فرض این است که همه کس موظف است از قانون کشور خود اطلاع داشته باشد ولو آنکه این فرض برخلاف روح عدالت واقعی است معهدا، بخاطر رعایت فرض فوق، تشریفات انتشار قوانین اهمیت فوق العاده ای را در افکار حقوقدانان یافته است و تقریباً مقررات تمام کشورها، در مورد انتشار قوانین، سعی نموده حتی المقدور مردم را از وضع قوانین جدید مطلع سازد و برای آنکه حقوق افراد تضییع نگردد ملاحظاتی را در این مورد مدنظر قرار داده اند. با این همه آگاهی تمام قوانین، به سبب کثرت آنها، حتی برای حقوقدانان غیر ممکن است برای رفع این مشکل بزرگ و امکان درک مسائل حقوقی ناچار به پیروی از اصول و ضوابط قضائی شده اند که، تحصیل آنها برای درک قوانین لازم است هرگاه این ضوابط را غرسولهای خشکی بدانیم که، از جهت کلیتشان، مخالف با روح عدالت برای تعیین تکلیف موارد حقوقی حقوق افراد است؛ معهدا باید قبول نمود در سیستم هائیکه صرفاً از مقررات عدالت واقعی (طبیعی) پیروی میکنند، قاضی برای تعیین و شناخت حقوق افراد، در مورد بخصوص، نیازمند به یک سلسله ضوابط و قواعد و کلیات عقلی و منطقی و یا اصول مربوط به عدالت طبیعی می باشد. از این رو آنهائیکه گمان میکنند بدون تحصیل حقوق، و کسب و فرا گرفتن این قواعد و ضوابط و صرفاً با مراجعه بقوانین و یا فقط با تجربه قادر به درک و تشخیص حق، آنها در اجتماعات پیچیده، عصر کنونی، خواهند بود در اشتباه اند. بفرض آنکه نوابغی یافت شوند که به تمام قوانین و مقررات زمان آشنا باشند معهدا باید قبول کرد که در بکار بردن این قوانین به هنگام عمل و یا در مباحث نظری دچار اشکال خواهند بود. این معنی بخصوص در مورد قوانین غیرمدون (کامن لو) صادق است؛ چه این قوانین مواد وضع شده قوه مقننه و یا دسته از حقوق دانان نیستند بلکه ساخته فکر قضات و محصول آراء مستدل داد گاهها و متضمن اصول عقلی و منطقی قضائی می باشند و بنا بر این ضرورت آشنائی با این اصول قضائی برای اهل فن و اهل حرفه و قضات و وکلاء آشکار است و بکمک این اصول است که میتوان نتیجه دعوی و پیشرفت یا عدم پیشرفت آنها را پیش بینی نمود.

در مورد بحث از کامن لو و انصاف از بعضی اصول مربوطه با آنها سخن بمیان خواهد آمد و همچنین در موقع بحث راجع به طرز دادرسی و عمل داد گاهها از این قواعد و ضوابط صحبت خواهد شد.

قانون چیست - آنچه مسلم است اینکه : قانون مجموعه از قواعدی است که ناظر بروابط افراد بوده بدست افراد وضع شده و برای آنستکه افراد از آن اطاعت کنند. با این ترتیب قانونی که مورد بحث ماست با قوانین فیزیکی و یا شیمیائی و امثال آنها فرق بسیار دارد؛ قوانین طبیعت بطور کلی مانند سازمان جهان، برآمدن آفتاب - قوانین مربوط به قوه جاذبه زمین و یا

خورشید در این مجموعه مورد نظرما نیستند؛ زیرا این قوانین ساخته فکر بشر نمی باشند - قواعد و اصول اخلاقی نیز از حدود مطالعات و مباحث ما خارج اند و هرچند که تشخیص اصول و قواعد اخلاقی از قوانین و مقررات موضوعه کار آسانی نیست، مع الوصف، میتوان گفت که قوانین دارای نوعی ضمانت اجرائی مؤثر و واقعی هستند باین معنی که عدم رعایت مقررات قانونی نتایج و یا عواقبی را در بر ندارد که توسط حکومت آن عواقب به مرحله اجرا درمی آیند. در حالیکه مقررات اخلاقی باین صورت اجرا نمیشوند. اگر کسی مرتکب جنایتی شود و یا عمل مخالف قانونی از او سر بزند که مورد تعقیب قرار گیرد دادگاه او را مجازات میکند و اما دروغگوئی که دروغش فاش شده از تعقیب و مجازات قانونی مصون است زیرا در قوانین موضوعه مجازاتی برای دروغ گفتن روزانه وجود ندارد آنچه ممکن است دروغگو را ناراحت سازد و وجدانش را معذب کند همان عکس العمل های اجتماعی آن است باین توضیح میتوان گفت که قانون مجموعه مقررات و قواعدی است که بمنظور تعیین روابط و رفتار انسانی وضع گردیده و بین افراد یک کشور لازم الاجرا و لازم الاتباع است. این قوانین توسط دستگاهی که حاکم بر سرنوشت افراد کشور است وضع میگردد و این حاکمیت در مسالک دموکراسی مخصوصی قوه مقننه (پارلمان) است - باید تذکر داده شود که همین حاکمیت پایه آزادی و استقلال سیاسی و اقتصادی هر کشور بشمار میرود و اهمیت آن در حقوق بین الملل مورد توجه خاص سیاستمداران و حقوق دانان است.

طبقه بندی حقوق - از حقوق بین الملل که بگذریم، حقوق داخلی بدو شاخه متمایز حقوق عمومی و حقوق خصوصی تقسیم میشود حقوق عمومی شامل قوانینی است که قبل از هر چیز به تشکیلات دولت و یا حکومت مربوط میگردد از قبیل حقوق اساسی و یا قوانینی که ناظر بر روابط فرد با دولت باشد مانند قانون مجازات. حقوق خصوصی آن دسته از قوانینی را در بر دارد که حقوق و وظائف افراد را بررسی میکند از قبیل قوانین مربوط به تعهدات خصوصی مانند حقوق قراردادهای و شبه قراردادهای و یا خسارات و همچنین حق مالکیت و قانون ارث.

حقوق بین الملل نیز بدو دسته عمومی و خصوصی منقسم میگردد - حقوق بین الملل عمومی روابط متقابل دولتها را تعیین میکند - در حالیکه حقوق بین الملل خصوصی که حقوق تعارض قوانین نیز نامیده میشود، بمواردی توجه دارد که در آنها بعضی عناصر حقوق خارجی بسببی دخالت کرده اند و در این موارد حقوق بین الملل خصوصی دادگاه را ارشاد کرده و باو نشان میدهد که از سیستم قضائی و قوانین کدام کشور تبعیت نماید برای درک اهمیت موضوع بذکر مثال زیر میپردازیم.

« الف » که در انگلستان اقامت دارد با « ف » که فرانسوی و در فرانسه است قراردادی از طریق مکاتبه منعقد میسازد و بموجب آن « ف » ملتزم میگردد تعهداتی را برای « الف » در آمریکا انجام دهد - فرض میکنیم که « ف » بتعهد خود عمل نکند و « الف » بخواهد علیه او در انگلستان طرح دعوی نماید شک نیست که قوانین انگلستان نمی توانند

در مورد همه این امکانات بکار روند و در این صورت دادگاه باید با مراجعه و بکمک مقررات حقوق بین الملل خصوصی راه حل قضیه را بیابد.

در خاتمه این مبحث باید اضافه شود که تقسیم دیگر حقوق به حقوق ماهوی و حقوق شکلی (دادرسی) از تقسیمات مهم حقوق می باشد.

منابع حقوقی - منابع حقوق کشورهای کامن لو ازین جهت با منابع حقوق کشورهای دیگر تفاوت دارد که در حقوق کشورهای گروه کامن لو، دادگاهها اعلام کننده قانون بوده و نیز با تفسیر و تعبیر قوانین موضوعه پایه گذاران واقعی قانون و مشخص حقوق موجود در هر زمان می باشند. با این ترتیب منابع حقوق در کشورهای کامن لو، در واقع، منابعی است که قضات دادگاهها بمنظور تشخیص حق در هر مورد و تفسیر و اعلام قانون در مورد بخصوص بآن منابع رجوع میکنند.

در این جا باید توجه داشت که منظور از قوانین غیرمدون این نیست که این قوانین حتماً نانوشته باشند. زیرا تمام احکام و آراء دادگاهها که اساس حقوق غیرمدون و نانوشته را تشکیل میدهند در مجموعه های انتشار احکام و دعاوی (۱) بطور مرتب تهیه و نوشته شده و بنام مجموعه احکام و دعاوی انتشار می یابد. بنابراین منظور از قوانین غیرمدون قوانینی است که بصورت مصوبات مجلسین نبوده و توسط مراجع قانونگذاری وضع نگردیده باشند این قوانین غیر مدون که از خلال آراء دادگاهها بدست آمده اند موجب گردیده اند که سوابق قضائی (۲) نیز علاوه بر قوانین موضوعه یکی از مهمترین منابع حقوق در سیستم کامن لو بشمار آیند و در واقع باید قبول کرد که قضات در این سیستم تا اندازه عمل قانونگذار را انجام میدهند.

از جمله منابع حقوق که باید در درجه دوم اهمیت قرار داده شوند یکی عرف و عادت و دیگری نظریه حقوقدانان را میتوان نام برد.

قسمت دوم

تشکیلات و صلاحیت دادگاهها

در این قسمت ابتداء طبقه بندی هر می شکل دادگاههای فعلی انگلستان و صلاحیت آنها را مورد توجه قرار میدهم و سپس به سابقه این تقسیم بندی اشاره نموده بتعریف کامن لو (۳) و انصاف (۴) که دو شاخه اصلی حقوق انگلستان و عامل اساسی تقسیم بندی دادگاهها می باشند می پردازیم.

دادگاههای کنونی

مبحث اول

معمولاً وقتی از دادگاه (۵) صحبت میشود در نظر گوینده و شنونده محاکمی مجسم

- ۱- Law Report
- ۲- Judicial Precedent
- ۳- Common Law
- ۴- Equity
- ۵- The Court

میشود که در آنها یک یا چند قاضی آراسته به لباده‌های بلند مشکی و کلاه گیسی جوگندی مجعد درپرتو سکوتی، که حاکی از ابهت و عظمت‌شان دادگاه است، برمسند قضاوت تکیه کرده‌اند و در مقابل آنها صف و کلاه دادگستری قرار دارد که با ظاهری مشابه قضات با کمی تفاوت که میتوان از کلاه گیسی و در بعضی موارد از رنگ لباده آنها تشخیص داد، جلب نظر میکنند و با تعظیم‌های پیاپی خود هنگام نشست و برخاست در مقابل قضات و تعارفات بیش از حد معمول آن اجتماع در موقع سؤال و جواب و نزاکتی بی‌حد و حصر بسکوت سنگین دادگاه روح و تحرک می‌بخشند.

این دادگاهها، که تحت نظر قضات آزموده تشکیل میگردند، دادگاههای واقعی بوده و چون با مورنسبتاً مهم قضائی رسیدگی میکنند بآنها نام دادگاههای برترین یا دادگاههای مافوق (۱) داده شده است.

و اما غیر از دادگاههای مافوق که تحت نظر چنین قضاتی تشکیل میگردند مراجع رسیدگی کم اهمیت‌تری نیز وجود دارد که، جز در موارد استثنائی، اداره کنندگان آنها از قضات نیستند؛ بلکه افرادی از مردم معمولی‌اند که طبق مقرراتی برای روزهای معین رسیدگی انتخاب شده‌اند و بدادرسی در آن روز میپردازند و اگرچه بنوبه خود با تشریفات و ابهت خاصی تشکیل میگردند ولی به پایه و وزن دادگاههای برترین نمیرسند. این سلسله دادگاهها را که با مورنسبتاً کم اهمیت‌تری رسیدگی میکنند دادگاههای مادون یا دادگاههای طبقه پائین (۲) نام گذاشته‌اند و بنوبه خود بچند دسته و نوع تقسیم میگردند. این دادگاهها نظر بصلاحت محدودشان با مور کم اهمیت‌تر، بناچار دارای مراجعات بیشتری بوده و نتیجتاً اهمیت بیشتری کسب نموده و مورد توجه قرار گرفته‌اند. از این رو شایسته است مشروحاً درباره آنها سخن گفته شود.

۱ - دادگاههای مادون

(طبقه پائین)

دادگاههای مادون (۳) اساساً به اموری رسیدگی میکنند که از لحاظ اهمیت در مرتبه پائین تر از اموری قرار دارند که در صلاحیت دادگاههای مافوق میباشد با این همه بین دادگاههای مادون نیز از لحاظ اهمیت موضوع رسیدگی درجاتی موجود است که از این نقطه نظر این دادگاهها را بدو دسته متمایز تقسیم بندی میکنند. نکته مهم دیگر در تشکیلات دادگاههای مادون این است که بعضی از این دادگاهها تحت نظر قضات منصوب که اهل حرفه قضائی و دارای آزمودگی در امور قضائی هستند تشکیل میگردد و دسته دیگر توسط افرادی اداره میشوند که ازین مردم عادی انتخاب و افتخاراً و مجاناً بجای قضات بدادرسی در دعوی هموعان خود میپردازند. ممکن است تصور شود که دادگاههای بخش در سیستم حقوق لاتین چیزی نظیر ویامعادل دادگاههای مادون در سیستم کامن لومی باشند

۱- Superior Courts

۲- Inferior Courts

۳- Inferior Courts

لیکن با توجه به اختلاف فاحش دوسیستم کامن لو و لاتین چنین مقایسه صحیح بنظر نمی رسد در هر صورت آشنائی بیشتر به تشکیلات داد گاههای انگلستان بهترین راهنما برای تشخیص موضوع فوق است و بنابراین اینک بشرح داد گاههای مادون میپردازیم.

اول - داد گاههای کانتی (۱) - قضات این داد گاهها، که با مورحقوقی رسیدگی میکنند، از بین وکلاء مدافع که هفت سال سابقه کار و ورزیدگی در امور وکالتی دارند انتخاب میگردند - تعداد آنها فعلاً در حدود ۸۰ نفر است که بتمام نقاط کشور سرکشی نموده و بدعاوی موجود در هر حوزه رسیدگی مینمایند و برای آنکه همه نقاط کشور از این داد گاهها برخوردار باشند کشور انگلستان را به حوزه‌ها ئی تقسیم نموده‌اند.

چنانکه گذشت صلاحیت این داد گاهها به امور حقوقی محدود گردیده و بان چنان دعاوی رسیدگی میکنند که از لحاظ اهمیت و میزان خواسته پیاپی امور مورد صلاحیت داد گاههای برترین (مافوق) نرسیده ولی از دعاوی مورد صلاحیت داد گاههای صلح بیشتر است اهم اموری که در صلاحیت این داد گاهها بشمار میروند بقرار زیرند:

- ۱ - دعاوی مربوط به قراردادها و خسارات که خواسته آن‌ها بیش از ۱۰۰ پوند نباشد.
- ۲ - دعاوی غیر منقولی که اجاره و یا منافع ماهیانه آنها از ۱۰۰ پوند تجاوز ننماید.
- ۳ - دعاوی مربوط به انصاف تا ۵۰۰ پوند.
- ۴ - امور حسبی تا میزان ۱۰۰۰ پوند.
- ۵ - در صورتیکه طرفین دعوی برسیدگی این داد گاهها توافق نمایند این داد گاهها بدعاوی که خواسته آنها زائد بر میزان انصاف داد گاه باشد می پردازند.
- ۶ - در مواردیکه داد گاههای مافوق رسیدگی دعوائی را بداد گاههای کانتی ارجاع نمایند.

- ۷ - بعضی دعاوی محدود راجع به رسیدگی امور تجارت دریائی.
 - ۸ - صلاحیت‌های دیگری از قبیل رسیدگی با امور ورشکستگی و مالک و مستاجر.
- در این داد گاهها هم مشاورین قضائی سولیسیتور (۲) و هم وکلاء مدافع باریسترها (۳) حق دارند دفاع متداعیین را بهعهده بگیرند - در خاتمه گفتار راجع بداد گاههای کانتی تذکر این نکته لازم است که این داد گاهها از لحاظ تعداد مراجعین مهمترین مرجع رسیدگی های حقوقی کشور انگلستان است.

دوم - داد گاههای صلح (۴) - همانطوریکه فوقاً اشاره شد، این داد گاهها معمولاً توسط افرادی خارج از اهل حرفه قضاوت که غالباً دارای اطلاعات و تجربیات و ورزیدگی قضائی نیستند، اداره میشوند.

۱ - County Courts
 ۲ - Solicitors
 ۳ - Barristers
 ۴ - Courts of Peace

از سال ۱۹۱۹ بموجب قانونی (۱) زنان نیز قابل انتخاب شدن در این دادگاهها می باشند - قضات این دادگاهها با موافقت قاضی القضاات (۲) توسط کمیسیون صلح ناحیه (۳) انتخاب میگردند - در پیشنهاد افراد برای این انتخاب کمیته مشورتی محلی (۴) ویا انجمنی های محلی (۵) نقش اساسی برعهده دارند.

در قرن ۱۸ رسیدنی این دادگاهها در منزل قضات انتخابی آنها بعمل می آمد و اکنون دعاوی در اطاق های دادگاهها مطرح و مورد رسیدگی قرار میگیرند - از این رو با توجه به سابقه تاریخی آنها میتوان حدس زد که رسیدگی این دادگاهها جنبه که خدامنشی داشته و قضات آن افتخاراً و مجاناً انجام وظیفه مینموده اند.

دادگاههای صلح بدو گروه تقسیم میشوند که عبارتند از دادگاههای مائزسترایت (۶) و دادگاههای فصلی کوارترشن (۷)

۱ - دادگاههای مائزسترایت یا دادگاههای مردم - حتی در زمان کنونی قضات این دادگاهها که مائزسترایت نامیده میشوند از بین مردم انتخاب میگردند ، و بهمین جهت میتوان آنها را دادگاههای مردم و یادادگاههای قضات انتخابی نامید . کسانیکه در این دادگاهها بامور قضائی رسیدگی میکنند ، از بین مردم غیراهل حرفه قضائی انتخاب شده و از تجربه و آسودگی قضائی بی بهره اند . معهذا نباید تصور کرد که وجود آنها در رأس یک چنین دادگاهی منافی با شان عدالت ویا موجب تضییع حق خواهد شد زیرا : این دادگاهها که از سه نفر مائزسترایت (قاضی انتخابی محل) تشکیل میشود ، از نظر قضائی ، تحت نظر یک نفر منشی (۸) اداره میگردد ؛ که این منشی از بین وکلاء مدافع (باریسترها) و یا مشاورین قضائی (سولیسیتورها) ناحیه استخدام گردیده و حل مسائل قضائی و تذکر مواد قانون بعهدۀ اوست . مائزسترایت ها در امور و مسائل قانونی موظف به کسب تکلیف از اومی باشند و با این ترتیب میتوان باسانی قبول نمود که مائزسترایت ها در واقع عمل ژوری را انجام داده و تقریباً نقش آنها کدخدا منشی است چه اعلام و تذکر قانونی بعهدۀ منشی محکمه و گذار گردیده است که دارای اطلاعات و آزمودگی قضائی است و با این ترتیب آنچه در این دادگاهها ملاک رسیدگی قرار میگیرد قانون است النهایه با شرکت و دخالت مردم بعنوان قاضی .

۱- Sex Disqualification (removal) Act 1919

۲- Lord Chancellor

۳- Commission of the Peace for borough

۴- Local Advisory Committee

۵- The Borough Council

۶- Magistrate Courts

۷- Quarter Session

۸- Clerk

شرکت افراد در امر رسیدگی دارای فوائد اجتماعی قابل توجهی است که از جمله آشنائی مردم بامور روزمره و روابط امور آنها با قانون را میتوان نام برد. معهداً توجه باین نکته شایان اهمیت است که، در کدام اجتماع میتوان از این پدیده استفاده نمود و در چه محیطی این عامل مفید بصورت پدیده‌ای زیان بخش تغییر ماهیت می دهد؟

اجتماعی که میتواند افراد معمولی را در سرنوشت قضائی هموعان آنها شرکت دهد، اجتماعی است که افراد آن یا صد درصد با سوادند و یا تعداد کمی از مردمش از نعمت خواندن و نوشتن محروم باشند. آنجا جایی است که مطالعه و کتاب خواندن یکی از بهترین تفریحات و سرگرمیها و یا لاقط وسیله برای گذراندن وقت و ساعات فراغت است. افراد آن برای دانستن بیشتر با حرص و آزاخبار و اطلاعات جدید را در هر موضوع و مورد جمع آوری میکنند، و در هر کوی و برزن حتی در دهات کتابخانه‌های ثابت و بسیار وجود دارند. کتب تحصیلی و کتب کودکان و کتابخانه کودکان بعد و فور در دسترس همه است. تحصیلات تا دانشگاه برای اشخاص با استعدادی که مایل به ادامه تحصیل باشند تقریباً مجانی است افراد معمولی و کارگران ساده و عمله‌ها و کارگران ساده معادن و خلاصه همه روزی یک یاد و یا سه روزنامه میخوانند. راجع به هر موضوعی ده ها کتاب در آنجا موجود است خود محیط آموزنده و مکتب عملی است. در آن محیط آموزنده از رادیو گرفته تا سینما و تئاتر و بازی های کودکان و تفریحات و گردشگاهها با مبلغ کم در اختیار مردم قرار دارد. نه تنها وسائل اولیه آموزش و پرورش بطور رایگان در دسترس همه است بلکه استعدادهای موجود را با روش های صحیح پرورش داده افرادی مستقل و با ثبات و دارای قوه تشخیصی بجامعه تحویل میدهند این امر لازم به اثبات نیست که هر چه تعداد با سوادان در یک اجتماع زیادتر باشد استعدادهای پراکنده گم شده، بواسطه یافتن میدان عمل، امکان ابراز وجود و سپس پرورش می یابند و بارورتر میگرددند. نتیجه آنکه سطح فکر و شعور جامعه بالا رفته، قوه تشخیص و قضاوت افراد بدرجه عالی تری میرسد تا آنجا که میتوان آنها را در تعیین سرنوشت قضائی هموعان خود شرکت داد. از همه مهمتر امکانات اقتصادی که ثمره یک چنین اجتماع تربیت شده ایست با افراد آن امکان دست یافتن به وسائل زندگی را میدهد که در آسایش و رفاه فکری کمکی بزرگ خواهد نمود. جوامع پیش افتاده مانند اشخاص تکامل یافته از حیث شعور و هوشیاری و قوه تشخیص بمراتب از جوامع در حال رشد جلوترند. و از این رو بمردم عقب افتاده بچشم حقارت و بردگی می نگرند علی الخصوص که رنگ هم مزید بر علت باشد. لازم بتذکر نیست که افراد جوامع صنعتی نیز صرفاً بخاطر آنکه صنعت را مهار کرده اند و چون صنعت متقابلاً موجب بسط فرهنگ و تمدن می باشد، دارای دید وسیع تر و بالنتیجه قوه تشخیص و تمیز بیشتری هستند و از این رو قضاوتشان نیز بهتر از افراد جوامع غیرصنعتی است. از لحاظ رفاه اجتماعی، که اساس فکر صحیح را میسازد، دارای امکانات و متمرراتی هستند که این امکانات نتیجه یک جامعه صنعتی متمول و مقتدر است. مواد اولیه پر حجم ارزان قیمت و اغلب بدون بها را بادست کارگران بمواد صنعتی و ابزار و آلات و ماشین ها تبدیل

نموده از یک طرف برای کارگران خود کار تهیه می کنند و با دادن مزد زیاد بکارگر باو امکان می دهند از بهترین وسائل زندگی از قبیل بهترین وسالم ترین خوراک و پوشاک و مسکن و رادیو و تلویزیون و تفریحات و ورزش استفاده کند و از طرف دیگر با فروش محصولات صنعتی به کشورهای دیگر به تمول سرشار خود هر روز اضافه میکنند. از اینها گذشته حتی وسائل حمل مواد اولیه را به کشور خود و برگرداندن محصولات صنعتی را پس از تبدیل همان مواد اولیه با کشتی ها و وسائل ارتباطی دیگر در اختیار دارند.

ازین راه با بدست آوردن پولهای سرشار و وضع مقرراتی برای ایجاد بهترین وضع رفاه اجتماعی افراد کشورشان امکان پیشرفت روزافزون را به افراد اجتماع میدهند. بهمین جهت تمام افراد بصرف اینکه در آن اجتماع با برصه وجود گذارده اند دارای حقوقی هستند به بیکاران - به خانواده های عائله مند، به پیرمردان - به پیرزنان - به افلیج ها و به هزاران دسته دیگر از افرادی که در آن اجتماع اند تحت عناوین مختلف بیمه و مقررات تأمین اجتماعی همه هفته و یا همه ماهه از خزانه دولت مبالغی پرداخت می کنند تا امکان اداره یک زندگی آبرومند و متناسب شان انسانی و غرور بشری بآنها داده شود - یک بیستم افراد انگلستان یعنی قریب دو میلیون و نیم جمعیت این کشور از این راه زندگی می کنند بدون آنکه درازاء آن خدمتی و یا عملی انجام دهند - هزینه پرداخت این مبالغ هنگفت فعلا بردوش دولت سنگینی میکند زیرا راه های درآمد این پولها محدود و یا تحلیل رفته است و رقابت های اقتصادی دول دیگر شکستی جبران ناپذیر بخزانه وارد ساخته معهذا اگر از انتظار سیر پیشرفتی که با مقایسه وضع قبلی حتمی بود صرف نظر کنیم هنوز که هنوز است دولت هزینه های هنگفتی برای تعلیم و تربیت - بهداشت راه و ساختمان کارخانه های عظیم ماشین آلات و طیاره سازی و کشتی سازی و امثال آن و حتی برای پیشرفت اقتصاد مملکت و حمایت از کارخانه هائیکه بدون کمک دولت ازین میروند در نظر گرفته است.

بیمارستانها - پرورشگاهها و انواع و اقسام وسائل جلوگیری از امراض و مخاطرات دیگر اجتماعی اعم از جسمی و روحی و تربیتی در اختیار مردم قرار دارد.

نباید تعجب کرد اگر گفته شود سرویس ملی بهداشت در انگلستان معالجه تمام امراض و دوا و بهداشت و حتی بزرگترین اعمال جراحی را برای تمام افراد مجانی و با وضع آبرومندی انجام میدهد. حتی خارجی ها حق استفاده از این سرویس ملی را دارند - تفریح گاههای مجانی - پارکهای زیبا و استخرهای شنا و وسائل ورزشی مجانی در تمام مؤسسات و یا با پرداخت وجه بسیار ناچیزی برای اعضاء مؤسسه در اختیار مردم قرار دارد و افراد را از ابتلاء به انواع امراض و یا عادات مذموم اجتماعی میرهاند و پاك و سالم تحویل اجتماع میدهد. منابع طبیعی به بهترین وجهی برای استفاده اهالی کشور آراسته و پیراسته شده اند و حتی برای پرندگان و حیوانات نیز مبالغ هنگفتی صرف میشود. بودجه های سرسام آوری برای مطالعه در تمام رشته ها در اختیار طالبین عام و متخصصین و محققین گذارده شده است.

شک نیست این منابع مادی همه از داخل کشور بدست نمی آید بلکه بعناوین مختلف از خارج از کشور فراهم میگردد و از طرفی همانطور که گذشت گردش چرخ صنایع با

ایجاد صنعت و انحصار آن مصنوعات ساخته شده را که بابهای ناچیز مواد اولیه و کار و اجرت زیاد کارگرانی که وسائل رفاه و زندگی مشخص آنها وجود رادیو - برق - تلویزیون - ورزش گردش - ضبط صوت - دوربین فیلم برداری - غذای سالم و مفید - تفریحاً خوب - سینما - تئاتر رفتن به رستوران و شب نشینی ها را جزء ضروریات عادی زندگی کرده است ، بتمام نقاط دنیا میفرستد و در مقابل با پولهای سرشاری که ازین رهگذر بدست می آورند رفاه و پیشرفت بیشتر را وارد کشوری کنند .

در چنین اجتماعی که همه چرخهای اجتماعی در گردش اند و همه از نعمت تعلیم و تربیت برخوردارند ؛ آنجا که تحصیلات متوسطه آنها با روش صحیح حداقل تحصیل بشمار می رود و در واقع مدارس ابتدائی و متوسطه کارخانه آدم سازی اند محققاً بازرگاننش دارای اطلاعات واقعی و مفید و مثبت بازرگانی و رئیس فلان اداره و فلان مؤسسه نیز برای کاری که با وسپرده شده ساخته و ترتیب یافته است موجب نگرانی نخواهد بود اگر در چنین اجتماعی رسیدگی قضائی بعضی امور را بدست افرادی از اجتماع بگذارند که سوابق لیاقت و خدمات آنها محرز گردیده و در واقع عده آنها هم زیاد است و این امر نه تنها خللی به نظم و عدالت اجتماعی وارد نمی سازد بلکه باری از دوش دستگاه و مسئولین برمیدارد . بخصوص که معمولاً افرادی خود را برای این خدمت داوطلب میکنند و از طرفی کمیته محلی مربوطه فقط افرادی را میپذیرد که بسبب اطلاعات و سوابقشان لیاقت انجام چنین کاری را داشته باشند . با همه این خصائص که ساخته چنان اجتماعی است مع الوصف قضات داد گاههای ماژیسترایت بدون نظر منشی محکمه که شخص حقوق دان مبرز و کارآزموده است عملی انجام نمی دهند .

با این ترتیب ملاحظه میشود که در جوامع در حال رشد که شاید تعداد آنها نیکه خواندن و نوشتن میدانند به بیست درصد نمیرسد که آنها در شهرها گرد آمده اند تا چه اندازه دور از واقع بینی است اگر اراده امور قضائی مردم و دهقان های زحمت کش بدست کسانی سپرده شود که نه تنها هیچگونه اطلاعات قضائی ندارند بلکه حروف الفبا را هم ندیده اند .

بدون شک شرکت افراد اجتماع در امر رسیدگی قضائی کاری بس نیکوست ولی مشروط بر آن است که تحت نظراهل فن و قاضی مطلع این امر انجام گردد و الا دست شکسته ای خواهد بود که وبال گردن دستگاه داد گستری باشد .

صلاحیت داد گاههای ماژیسترایت - چنانکه قبلاً اشاره شد داد گاههای ماژیسترایت با مور نسبتاً کم اهمیت تری رسیدگی میکنند و دارای صلاحیت حقوقی و جزائی می باشند . در امور جزائی رسیدگی مقدماتی به جرائم و ملاحظه دلائل بمنظور تشخیص جرم و تعیین مرجع صلاحیت دار برای رسیدگی بعهده داد گاههای ماژیسترایت می باشد و در صورتیکه داد گاه تشخیص دهد دلائل پلیس و یا شاکی خصوصی کافی برای شروع برسیدگی جزائی است (۱) اقدام برسیدگی مینماید . توقیف متهم فقط با صد و رقراری (۲) که توسط داد گاه صادر میگردد مجاز می باشد ، معهداً در عمل اغلب اتفاق می افتد که پلیس شخصی را که مرتکب

۱- Prima Facie Evidence

۲- Warrant

جرم شده و یا ظنی قوی بر ارتکاب جرم از ناحیه او برود توقیف نموده امت که البته تا این حدود بقوه مجریه باید حق داد که اقدامات لازم را که مبنی بر حسن نیت و برای انجام وظیفه او ضروری است بنماید و این اجازه در بعضی موارد به پلیس داده شده است.

در مباحث آینده راجع به طرز عمل پلیس و دادگاههای مائزسترایت و بطور کلی رسیدگی های جزائی و حقوقی مفصلاً بحث بعمل خواهد آمد و در این جا فقط به ذکر صلاحیت دادگاههای مائزسترایت اکتفا میکنیم.

دادگاههای مائزسترایت صلاحیت رسیدگی بامور زیر را دارا می باشند :

- ۱ - رسیدگی اختصاری امور جزائی و جرائم اطفال
- ۲ - رسیدگی مقدماتی در مورد جرائم مهم و تعیین نوع رسیدگی به نسبت اهمیت جرائم و احاله آنها بدادگاه های صلاحیت دار جزائی که با حضور ژوری تشکیل میشوند.
- ۳ - رسیدگی به شکایات و دادخواستهای جزائی - دستور احضار و صدور قرار توقیف و بازداشت متهم و اخذ کفیل و یا ضامن
- ۴ - رسیدگی های اختصاری حقوقی در مورد اثبات نسب - نفقه و کسوه - حضانت و سرپرستی اطفال - دستور جدائی موقتی زن و شوهر - دعاوی مالک و مستاجر
- ۵ - اقدامات اداری از قبیل اجازه صدور پروانه کسب برای مشروبات الکلی و نیز مراقبت و نظارت پلیس هر ناحیه.

مقررات مربوط بدادگاههای مائزسترایت بموجب قانون دادگاههای صلح (۱) و قانون دادگاههای مائزسترایت (۲) بتصویب رسیده است.

مرجع استینافی احکام حقوقی دادگاههای مائزسترایت دادگاههای بزرگ (۳) می باشند و استیناف از احکام جزائی به دادگاههای کوارترشن فصلی احاله میگردد.

۲ - دادگاههای کوارترشن - که بنا بر رسم قدیم هر سه ماه یک بار در هر حوزه تشکیل گردیده و در لندن بطور استثنائی همیشه دائر است این دادگاهها بجرائم مهمتری از قبیل قتل - خیانت بمملکت - تعدد زوجات - جعل - شهادت کذب - ارتشاء و سرقت در شب رسیدگی میکنند - قضات این دادگاهها طبق معمول از بین وکلاء دادگستری که لااقل ۵ سال در مقام باریستری کار کرده باشند بمقام قضاوت منصوب میشوند و در مقابل این خدمت، بر خلاف قضات مائزسترایت ها، حقوق دریافت مینمایند - این دادگاه در شهر لندن مرجع رسیدگی بزرگترین جرائم بوده و به الدبیلی (۵) معروف شده - احکام این دادگاه در دادگاههای استیناف جزائی قابل رسیدگی استینافی است.

۱- The Justice of the Peace Act, 1949

۲- Magistrates' Courts Act, 1952

۳- High Courts

۴- Quarter Session

۵- Old Bally

سوم - داد گاه کروزر (۱) یا داد گاههای قتلهای مشکوک و گنجینه ها - یکی دیگر از داد گاههای طبقه پائین داد گاههای کروزر است که وظیفه خاصی بعده دارد صلاحیت آن منحصر به رسیدگی قتلهای مشکوک از قبیل مسمومیت - غرق - تصادف - سرگ در زندان و مرگهای مشکوک و نیز رسیدگی به کشف گنجینه ها و ذخایر قدیمی و عتیقه های ملی از وظائف آنها بشمار میرود. در تمام موارد فوق دستگاہ پلیس و داد گاههای ماژیسترایت تابع نظر داد گاه کروزر بوده و در صورت لزوم هیئت ژوری برای صدور حکم دعوت میشوند. قضات این داد گاهها از بین وکلاء مدافع (باریسترها) انتخاب میشوند که لااقل ۶ سال سابقه وکالت و دفاع در محکمه را داشته باشند.

این بود شرح مختصری از تشکیلات داد گاههای مادون (طبقه پائین) در دستگاہ قضائی انگلستان و چنانکه در این مبحث اشاره شد دو نوع از داد گاههای فوق دارای اهمیت خاص هستند - یکی داد گاههای کانتی که رسیدگی بامور حقوقی کوچک در صلاحیت آنها قرار دارد و دیگری داد گاههای ماژیسترایت که صدی ۹۰ دعاوی جزائی در آن خاتمه می یابد اهمیت این داد گاهها نه تنها از این نظر است که رسیدگی بدعاوی حقوقی و جزائی کم اهمیت و بالنتیجه حل و فصل تعداد بیشتری از مناقشات را بعده دارد بلکه از این جهت نیز که در تمام نقاط کشور موجودند و در اختیار مراجعین می باشد، اهمیت خاصی را کسب نموده اند. بر خلاف داد گاههای مافوق که، مرکزیت داشته و جز در موارد استثنائی فقط در لندن تشکیل میگردند، داد گاههای مادون در تمام نقاط کشور موجود و بمراجعات و شکایات رسیدگی مینمایند. خوشبختانه در تشکیلات قضائی ایران از روش عدم تمرکز استفاده شده و تقریباً به پیروی از تقسیم بندی کشوری داد گاهها در هر استان و شهرستان و بخش تشکیل میگردند ولی چون به اوضاع جغرافیائی و اقتصادی توجهی نشده اکثریت مردم ایران از تشکیلات قضائی استفاده نمی کنند. دهات و بخش های دور افتاده و پراکنده از یکدیگر هیچگاه توجهی به حل مسائل قضائی و مشکلات خود از طریق داد گاهها ندارند و امید آنها بکلی از داد گاههایی که فرسنگها از آنها دور اند قطع گردیده. بنظر ما در کشور ایران که اکثریت قریب باتفاق مردم فقیر و از نظر تعلیم و تربیت در مراحل کاملاً بدوی بسر میبرند باید چاره اندیشید که عدالت بسراغ مردم رود نه اینکه مردم بیچاره برای طرح دعاوی کوچکی که یقیناً چند سال بطول می انجامد ناچار شوند فرسنگها کوره راه ناهموار را طی کنند تا به محل داد گاه برسند. این رویه مردم را از روی آوردن به دستگاہ عدالت محروم میسازد بخصوص که طرز رسیدگی و اطلاع متصدیان امر و رویه آنها نیز مزید بر علت باشد شرکت افراد در سرنوشت قضائی و آشنائی آنها به امور قضائی از طریق این همکاری امری پسندیده است مشروط بر آنکه تحت ریاست و هدایت یک قاضی انجام گردد و برای این منظور بهترین راه ایجاد داد گاههای سیار است که در فاصله های معینی بدعوات سرکشی نموده تحت نظر یک قاضی داد گاهی باشکرت چند نفر از اهالی ده تشکیل و بمرافعات اهالی رسیدگی کند.